

تبیین تجربی نظریه های عرفی شدن در ایران

سیدصمد بهشتی (دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسؤل)

sbeheshty@yahoo.com

وحید قاسمی (دانشیار جامعه شناسی دانشگاه اصفهان)

vaghasemi@yahoo.com

چکیده

در این مقاله با بیان نظریه های مختلف در خصوص سکولارشدن و سکولارزدایی جوامع و نیز با طرح نظرات موافق و مخالف عرفی شدن جامعه ایرانی به بررسی رابطه تحصیلات عالی، دموکراسی و انسجام با نظام سیاسی حاکم، با سکولار شدن ایران پرداخته شده است. فرضیه های این تحقیق با استناد و تحلیل ثانویه داده های موج پنجم پیمایش ارزش های جهانی (WVS) و نیز با استفاده از مدل معادله ساختاری و تکنیک مقایسه میانگین های ساختماند آزمون شده اند. نتایج نشان دهنده سطح بالای دینداری در ایران به ویژه در زمینه اعتقادات می باشد. سطح پایبندی به مناسک دینی نیز در این کشور بالاست. با توجه به عدم تفکیک رشته های علمی شاهد تأثیر اندک تحصیلات عالی در روند عرفی شدن جامعه هستیم، در مجموع نتایج این تحقیق موید گستره و عمومیت نفوذ دین در جامعه ایران است به صورتی که نمی توان ادعایی را در خصوص عرفی شدن جامعه ایرانی پذیرفت.

کلیدواژه ها: سکولاریسم، سکولار زدایی، تحصیلات عالی، دموکراسی، نظام سیاسی، پیمایش ارزش های جهانی.

مقدمه

شاید کمتر چیزی را بتوان در جوامع انسانی یافت که به اندازه دین در بین اکثر قریب به اتفاق اندیشمندان نیاز به آن به عنوان یک ضرورت مطرح شده باشد. در تاریخ جوامع انسانی هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در آن دین وجود نداشته باشد و متخصصین علوم دینی در آن جایگاه رفیعی را به خود اختصاص نداده باشند.

در بین جامعه شناسان کلاسیک کنت با تاکید بر جهان بینی علمی و تلاش برای تاسیس دینی پوزیتیویستی، دورکیم با نوشتن کتاب صور بنیادی حیات دینی، وبر با نگارش کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری به اثرات دین در بین انسان ها صحنه گذاشته اند. چرا که دین با توجه به پیامدها و کارکردهایی که در سطح فردی و اجتماعی دارد همواره یکی از تعیین کننده ترین عوامل در شکل دهی و جهت دهی به جوامع انسانی بوده است. اما میزان اثر گذاری این عامل در اعصار و زمان های مختلف تحت تاثیر عوامل مختلف متفاوت بوده است، مثلا با آغاز دوره رنسانس و تحولات ناشی از آن دین کلیسایی در اروپا به شدت جایگاه خود را از دست داد و دچار تغییراتی شد که در ادبیات جامعه شناسی از آن تحت عنوان غیر دینی شدن^۱ یاد می شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵؛ ربانی، ۱۳۸۸؛ کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲). اما به زعم برخی از نظریه پردازان در حال حاضر این روند تغییر یافته است و دین توانسته است جایگاه قابل توجهی در حیات فردی و اجتماعی انسان ها به دست آورد (برگر^۲، ۱۹۷۴؛ هادن^۳، ۱۹۸۷).

سیاری از جامعه شناسان با الگو قرار دادن روند تاریخی غیر دینی شدن و یا گرایش به دین در غرب سعی در تعمیم شرایط خاص تاریخی آن جوامع به تمامی جوامع انسانی دارند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نمانده است و گروه های مختلف با تکیه بر مبانی فکری و نظری خود سعی در قضاوت پیرامون این پدیده دارند. در این میان عده ای معتقد به روند فزاینده غیر دینی شدن ایرانیان هستند و معتقد به نقش فزاینده تحصیلات عالی و گرایش به دموکراسی در این فرایند می باشند حال آنکه در مقابل گروهی دیگر با استناد به شواهد مختلف خلاف این ادعا را دارند.

به دنبال این اختلاف نظر تا کنون تحقیقات زیادی در زمینه وضعیت دینداری ایرانیان صورت گرفته است. در این مقاله نیز سعی بر این است که با مرور ادبیات مربوط به غیر دینی شدن، برخی عوامل موثر در این پدیده بر اساس آمارهای موجود و با به کارگیری مدل معادله ساختاری به صورت تجربی بررسی شوند.

1 Secularization

2 Berger

3 Hadden

پیشینه نظری

ادیات نظری موجود در جامعه شناسی دین به طور عمده نشان دهنده تقابل دو دیدگاه است: دیدگاهی که معتقد است جوامع امروزی در اثر مدریزاسیون و نیز روند رو به رشد توسعه هر روز از معنویات فاصله گرفته و مادی گراتر و سکولارتر شده اند و در مقابل دیدگاه هایی شکل گرفته اند که چنین نظریه هایی را به چالش کشیده و با استناد به برخی وقایع اعتقاد دارند نه تنها جوامع امروزی سکولار نشده اند بلکه اقبال عمومی به دین در کشورهای مختلف زیادتر شده است.

نظریه های غیر دینی شدن

در بین جامعه شناسان سکولار شدن^۱ با معانی متفاوتی به کار رفته است نظیر: عرفی شدن و غیر دینی شدن (توسلی: ۱۳۸۰)، دنیوی کردن، علمانیت، جدا انگاری دین و دنیا، دین زدایی، دنیا گرایی (همیلتون، ۱۳۷۷)، خروج جامعه از قلمرو نمادها و نهادهای دینی (برگر، ۱۹۶۷) و در یک بیان عام عرفی شدن فرایندی است که طی آن موقعیت و اهمیت دین در نزد فرد و عرصه اجتماع تنزل می یابد (چیوز، ۱۹۹۴، ویلسون، ۱۹۸۵ به نقل از شجاعی زند، ۱۳۸۵) در یک تعبیر کلی از عرفی شدن می توان به این اعتقاد سکولاریست ها توجه کرد که معتقدند می توان جهان را به طور کامل و تنها با استفاده از خود جهان شناخت و برای درک معنی و ارزش آن رجوع به چیزی غیر از خودش ضروری نیست.

در مقابل سکولاریسم ایمان دینی بر این باور است که معنا و ارزش حقیقی زندگی در این جهان و به طور کلی معنا و ارزش کل هستی را تنها با رجوع به حقیقتی می توان دریافت که برتر از کل جهان است. همین عامل متعالی و فوق مادی است که همه گونه های ایمان دینی را در مقابل سکولاریسم به هم پیوند می دهد (برینر^۲، ۱۳۷۵: ۵۰-۴۹).

عرفی شدن در نزد اندیشمندان مختلف معانی و مفاهیم متنوعی را شامل می شود. ال شاینر عقیده دارد که مفهوم غیر دینی شدن در شش صورت استفاده می شود: ۱- کاهش نفوذ سمبل ها و اشکال

1 Secularization
2 Brunner

دین سستی^۲ - سازگاری با جهان^۳ - جدایی جامعه از دین^۴ - جابه‌جایی و تغییر عقاید و نهادهای مذهبی^۵ - تقدس زدایی دنیا^۶ - حرکت از جامعه مقدس به جامعه سکولار (همیلتون، ۱۳۷۷: ۹۰ - ۲۸۹).

گرسکی^۱ فرایند عرفی شدن را ذیل یک هسته مرکزی و یک کمربند حمایتی مطرح نموده و معتقد است این هسته از دو اصل تشکیل شده که عبارتند از:

- تفکیک نهاد و سازمان دینی از سایر نهادهای اجتماعی.

- تفکیک ارزش‌های دینی از ارزش‌های دنیوی. (نقل از ربانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

کمربند حمایتی نیز که این هسته مرکزی را در بر گرفته طیفی از دیدگاه‌های مختلف در مورد غیر دینی شدن جهان مدرن را شامل می‌شود که عبارتند از:

- زوال دین^۲: افرادی مانند کنت با اعتقاد به تسلط یافتن علم بر شیوه تفکر جامعه مدرن قائل به ناپدید شدن و زوال دین هستند.

- خصوصی شدن دین^۳: افرادی مانند برگر، لاکمن و فن معتقدند دین تغییر شکل یافته است و بیشتر شاهد شکل‌گیری مذاهب خصوصی هستیم. منظور از خصوصی شدن دین این است که سکولاریسم باعث به حاشیه رانده شدن دین از عرصه جامعه و منحصر شدن به عرصه فردی گردیده است (دیوی در: برگر، ۱۳۸۰: ۹۵).

- کاهش دینداری^۴: ماکس وبر از کسانی است که با اعتقاد به عقلانی شدن و تخصصی شدن جوامع مدافع نظریه کاهش دینداری در دنیای جدید است.

- تغییر شکل دین^۵: پارسونز، بلا و ونت نواز جمله جامعه‌شناسانی هستند که معتقدند دین تغییر شکل یافته است. بلا تغییرات جاری در باورها و اعمال دینی را نتیجه فرایند انقلاب دینی می‌داند که موجب تحول دین از شکل ساده خود به اشکال پیچیده شده است (ربانی، ۱۳۸۸: ۹).

پیتر برگر از اندیشمندانی است که در دوره اول فکری خود تلاش زیادی انجام داد تا با برقراری

1 Gorski

2 Disappearance of Religion

3 Privatization of Religion

4 Decline of Religion

5 Transformation of religion

رابطه ذاتی بین مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون روند سکولار شدن جوامع را روشن و تبیین کند. وی معتقد است که سکولاریزاسیون نه تنها نهادهای جامعه و حوزه های فرهنگ، بلکه ذهنیت و افکار و اذهان افراد را نیز در بر می گیرد. به نظر وی سکولاریزاسیون دو وجه مرتبط با هم دارد: یکی سکولاریزاسیون در بعد نهادی (یا سکولاریزاسیون اجتماعی-ساختاری)^۱ که به معنای جدایی نهادهای جامعه از قلمرو دین است و دیگری سکولاریزاسیون افراد (سکولاریزاسیون ذهنیت)^۲ که به معنای عدم تمسک افراد به تاثیر مذهبی در رفتار و پندار خویش است (نایی، ۱۳۸۵: ۷۸).

برگر عامل اصلی سکولاریزاسیون را اقتصاد مدرن و سرمایه داری صنعتی معرفی می کند و معتقد است جوامع مدرن بر حسب دوری و نزدیکی به این پدیده به طور متفاوتی سکولاریزاسیون را تجربه می کنند و همچنین در این زمینه توزیع یکنواختی بین گروه های مختلف جامعه وجود ندارد. به نظر وی یافته ها نشان می دهد که تاثیر سکولاریزاسیون بر مردان بیشتر از زنان است و بر افراد سنین میان سالی بیشتر از افراد بسیار جوان و بسیار مسن، بر شهرنشینان بیشتر از روستائینان، بر طبقاتی که مستقیماً با تولید صنعتی مدرن سرو کار دارند (به ویژه طبقه کارگر) بیشتر از مشاغل سستی تر (مانند صنعتگران یا مغازه داران کوچک) و بر پروتستان ها و یهودیان بیشتر از کاتولیک ها است (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۸).

وی تکثرگرایی مذهبی که ناشی از سکولاریزاسیون نهادی است و در اثر مدرنیزاسیون به وجود آمده است را عامل مهمی در سکولار شدن افراد می داند. تکثر گرایی مذهبی انسان ها را از انحصارات مذهب رها ساخته و شرایط را به گونه ای فراهم نموده است که بر خلاف دوران قبل، در حال حاضر مذاهب باید به نوعی خود را در بازار اقتصاد گونه در شرایطی رقابتی به افراد ارایه کنند که بتوانند موجب پذیرش قرار گیرند و این شرایطی است که عرفی شدن را سرعت بخشیده است.

عوامل شکل گیری غیر دینی شدن

در زمینه عوامل ایجاد کننده عرفی شدن نیز به مانند تعاریف عرفی شدن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. اندیشمندان مسلمان در مطالعات خویش درباره فرایند دنیوی شدن در جهان غرب بر فساد مالی

1 Socialstructural secularization

2 Secularization of consciousness

و اخلاقی کلیسا، تعالیم و عملکرد کلیسا، استبداد دینی اعمال شده از سوی کلیسا که خود ناشی از مسیحیت تحریف شده است، تأکید نموده و آن‌ها را عامل اساسی جدایی دین از زندگی اجتماعی و ایجاد نگرش دو قطبی دین در مقابل دولت، و امور دنیوی در مقابل امور دینی و اخروی می‌دانند (تقوی، ۱۳۶۳ و قراملکی، ۱۳۸۰).

آلبرو عواملی چون اعتقاد به علم، دموکراسی پارلمانی، شهرنشینی و صنعتی شدن را عامل اصلی سکولار شدن جوامع مدرن می‌داند (ندیمی، ۱۳۷۵: ۱۵). نظر لاکمن نیز چندان متفاوت از نظرات فوق نمی‌باشد. با این وصف می‌توان مهمترین دلایل غیر دینی شدن جوامع (به ویژه جوامع غربی) را از دید اندیشمندان مختلف چنین برشمرد:

۱- اصلاح طلبی دینی و کاهش روحیه دینی مردم پس از دنیا پرستی کلیسا

رواج فسادهای دامنه دار مالی، اخلاقی و سیاسی کشیش‌ها و پاپ‌ها در قرون وسطی نه تنها در زمینه‌های اقتصادی بلکه سوئی استفاده از عقاید مردم در فروش آموزش نامه‌ها، تحریفات مذهبی، تفتیش عقاید و نیز تبانی با شاهان و فئودال‌ها در راستای کسب مال و سرمایه اندوختن منجر به کاهش روحیه دینی مردم و از دست رفتن جایگاه کلیسا در بین آن‌ها شد. در آغاز حرکت، مخالفان کلیسا با تکیه بر عقل جدید بر آداب و رسوم کلیسایی تاختند و به تدریج از نیروی مذهب کاسته شد. این حرکت زمینه را برای نهضت اصلاح دینی بزرگ که به نام پروتستانتیسم شهره گشت، مهیا کرد (ربانی، ۱۳۸۸: ۲۴).

۲- فردگرایی

فردگرایی با زیر سوال بردن اساس عقاید و عملکرد اجتماعی دین زمینه را برای بسط سکولاریسم هموار کرد. رشد فردگرایی به عنوان یکی از شاخص‌های مدرنیته از عوامل مؤثر بر فرایند سکولاریزاسیون محسوب می‌گردید، زیرا درصد زیادی از افراد جامعه در اثر رشد فردگرایی تمایل یافتند که از کلیسا مستقل شوند و خود به صورت فردی دین خویش را تبیین نمایند (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

۳- رشد عقلانیت^۱

استیو بروس در تبیین جریان غیر دینی شدن غرب به این نکته اشاره می کند که نهضت اصلاح دینی به واسطه ایجاد جریانات فردگرایی و خردگرایی بین مدرنیست‌ها و مرگ اشکال سنتی مذهب رابطه برقرار کرد به این صورت که فردگرایی بنیان اجتماعی عقیده و عملکرد دینی را تهدید کرد و در کنار آن خردگرایی بسیاری از اهداف دینی را کنار نهاد و بسیاری از اعتقادات دینی را نامعقول معرفی نمود (برگر، ۱۳۸۰: ۹۲).

۴- سرمایه داری

ظهور سرمایه داری بورژوازی عقلانی که همراه با ظهور طبقه متوسط جدید شکل گرفت با تکیه بر بهره پولی و نیز ایجاد سازمان های بروکراتیک در زمینه سازی روند سکولاریسم بسیار موثر بود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵).

۵- کثرت گرایی^۲

پلورالیسم، رفض و الحاد و کفر و بی دینی را عمومیت بخشیده و با آشکار ساختن ریشه های انسانی هر دین، شایستگی تشویق و ستایش آن را مورد تردید قرار می دهد. (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۵۰) پیدایش تکثرگرایی دینی بدون ارتباط با رشد فرد گرایی نیست، چرا که با فرایند سلب تمرکز مذهبی و لغو انحصار یک سازمان بر امور مذهبی در تقویت روند دنیوی سازی مؤثر واقع می گردد. تکثرگرایی دینی، هم از فردگرایی تأثیر می پذیرد و هم فردی سازی دینی را تشدید می نماید (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰۳ - ۲۹۹).

۶- اومانیزم^۳

اومانیزم یا مکتب اصالت انسان و انسان گرایی که محصول رنسانس و عصر روشنگری است نظام فکری می باشد که انسان محور جهان بینی آن را تشکیل می دهد و طبیعتاً با جهان بینی دینی که

1 Rationality

2 Pluralism

3 Humanism

خداگرایی، پایه و محور آن به شمار می رود ناسازگار است. این مکتب با کنار گذاشتن ایمان به خدا راه حل تمامی مشکلات انسان ها را رجوع به عقل و خرد آدمی به عنوان متقن ترین راه شناخت می داند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۵).

۷- علم گرایی¹

رشد علوم تجربی و طبیعی و فناوری با ابطال بسیاری از فرضیات و مدعیات مقدس مورد نظر متون و متولیان دینی و در نتیجه تعمیم و تسری تردید به دیگر مدعیات ایشان و نیز رشد جهان بینی علمی، فلسفه و ایدئولوژی تجربه گرا (پوزیتیویسم) که نافی قضایا، پدیده ها و ذرات غیرمادی و غیرتجربی بود و همچنین افزایش توانایی های بشر در تسخیر طبیعت و تسلط بر بلایای طبیعی، احساس نیاز و وابستگی انسان را به ماوراءطبیعه کاهش داد و زمینه را در جهت زیر سوال بردن مشروعیت کلیسا فراهم نمود (شجاعی زند، ۱۳۸۱: ۵-۸۴). این موج شک و تردید بویژه در بین کسانی که از تحصیلات عالی برخوردار بودند و به ویژه در زمینه های علوم انسانی فعالیت داشتند با شدت و حدت بیشتری دنبال شد.

۸- پیدایش دولت ها و گسترش دموکراسی

در کنار عواملی چون رشد عقلانیت، اومانیزم، فردگرایی و پیدایش مفاهیمی چون حقوق طبیعی و قراردادی، عوامل مختلف اجتماعی و سیاسی چون فنودالیت، اقتصاد نوین روستایی، رشد شهرهای خودمختار و از همه مهم تر پیدایش دولت... نقشی اساسی در تکوین خود مختاری «سیاست» نسبت به دین ایفا کردند. این عوامل باعث پیدایش جوامعی شدند که خود را، خارج از وابستگی های مذهبی، سازمان می دهند. از این پس، قدرت سیاسی دیگر قدرتی مقدس نیست که از آسمان نازل شده باشد. قدرت سیاسی از دل جامعه بیرون می آید و مشروعیت خود را از مردمی می گیرد که با آرای برابر خود حاکمان را بر می گزینند. دیگر حاکم نماینده و جانشین خدا نیست و تنها نماینده مردم است و مقدس نیست. این همان چیزی است که دموکراسی نامیده می شود.

1 Scientism

البته در مورد ارتباط سکولاریسم و دموکراسی بحث های فراوان وجود دارد. برخی با طرح ادعاهایی که مطرح شد معتقد به تضاد مسلم این دو مقوله می باشند ولی گروهی دیگر با ارایه قرائت های مختلف از دموکراسی نظری متفاوت دارند. برای مثال قانوچی با برشمردن نقاط ضعف دموکراسی های رایج امروزی به ویژه در آمریکا معتقد است دین (اسلام) می تواند با دادن شکلی اخلاقی به دموکراسی ها و با متنبه کردن نفس و تادیب انسان ها هم با انحصار طلبی ها مبارزه کند و همین که از عقاید عمومی حراست کند (تمیمی، ۲۰۰۱: ۱۷). همچنین گریگ با استناد به دموکراسی در اندونزی ادعا می کند این دو مقوله با یک دیگر هماهنگی دارند و می توانند پایه های مشروعیت حکومت را تشکیل دهند (گریگ، ۲۰۱۰: ۴۷۱). در ایران نیز می بینیم که با طرح ایده مردم سالاری دینی و شکل گیری و فعالیت نهادهای دموکراتیک هیچ گونه منافاتی بین دین و دموکراسی دیده نمی شود.

نظریه سکولارزدایی

بروز برخی تحولات در عرصه جهانی منجر به تجدید نظر برخی جامعه شناسان پیرامون فرایند عرفی شدن شد. برای مثال برگر که از سردمداران نظریه سکولاریسم بود، اینگونه نوشت: چندی است به این نتیجه رسیده ام که بسیاری از صاحب نظران حوزه دین (از جمله خودم) هم درباره میزان سکولاریزاسیون و هم در باره برگشت ناپذیری آن اغراق کرده ایم (برگر، ۱۹۷۴: ۱۶ به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۵: ۸۰). بروس دلایل این تردید را رشد محافظه کاری و کلیسای انجیلی در ایالات متحده، افول کلیسای لیبرال، تداوم گرایش به دین در کشورهای غربی و حیات دین در سایر کشورهای جهان می داند (بروس، ۲۰۰۱: ۸۹ به نقل از آزاد، ۱۳۸۵: ۸۱).

وی دلیل اصلی بروز چنین حالاتی را در وضعیت متزلزلی می داند که مدرنیته برای انسان های امروزی به همراه آورده است و از آنجا که انسان موجودی است که نمی تواند چنین حالت متزلزل و مشکوکی را تحمل کند به ناچار جنبش های مذهبی را دنبال می کند و در این میان هر جنبشی که بتواند به فرد یقین داده و او را از حالت شک خارج کند به شدت افراد را به سوی خود جلب می کند.

برخی از این تحولات که اندیشمندان جامعه شناسی را مجبور به تجدید نظر در افکار خود نمود،

عبارتند از:

- رشد اسلام خواهی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی اروپا و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

- گرایش به کلیسا و الهیات رهایی بخش در آمریکای لاتین که با جنبش‌های اجتماعی همراه گردید.

- جنگ‌ها و مناقشات موجود در جهان، با رنگ و لعاب مذهبی؛ از قبیل مناقشه ایرلند شمالی که در بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها جریان دارد.

- گرایش به اینکه دین در جوامع غربی مشهود است (محسنی و کوثری، ۱۳۷۸: ۵-۲۷۴).

جفری هادن نیز در انتقاد به تئوری سکولاریزاسیون بر تقدس‌زدایی از این نظریه تأکید کرده و آن را به چالش فرا می‌خواند. وی معتقد است: مذهب حداقل تا نیمه اول قرن بیست و یکم، سیر صعودی می‌کند و در عین حال، فرآیند عرفی شدن نیز به حیات خود ادامه خواهد داد. او با تأکید بر ظهور جنبش‌های دینی که در دهه‌های آخر قرن بیستم در اروپا و آمریکا ظهور نموده، بیان می‌دارد: تئوری سکولاریزاسیون در شکل سنتی خود، توانایی تبیین آنچه که رخ داده است را ندارد؛ این تئوری یا باید کنار گذاشته شود یا اینکه مورد تجدید نظر اساسی قرار بگیرد. (هادن، ۱۹۸۷: ۶۰۶-۹) بر این اساس پیدایش قدرتمندانه دین در جوامع معاصر، نشانه اتمام تئوری عرفی شدن محسوب می‌گردد و فرمول‌بندی مجدد و تجدید نظر اساسی در این نظریه را می‌طلبد (چاوس: ۱۹۹۴).

ولی با وجود این مصادیق برگر برای قضیه سکولار زدایی دو استثنا قایل است. یکی اروپاست، به ویژه اروپای غربی که به نظر می‌رسد نظریه قدیمی سکولاریزاسیون در آنجا صدق می‌کند و استثنای دیگر وجود یک خرده فرهنگ بین المللی واقعاً سکولار است که حاملان آن کسانی هستند با تحصیلات عالی نوع غربی، خاصه در علوم انسانی و علوم اجتماعی. این خرده فرهنگ حامل اصلی ارزش‌ها و اعتقادات مترقی و اعتقادات عصر روشنگری است. با اینکه حاملان این خرده فرهنگ اندک‌اند ولی بسیار با نفوذند، چه نهادهای تعریف‌کننده رسمی واقعیت به طور عمده نظام آموزشی، رسانه‌های ارتباط جمعی و رده‌های عالی نظام حقوقی را در اختیار دارند (برگر، ۱۹۹۹: ۱۰).

برگر معترف به اشتباه خود در برقراری رابطه ذاتی بین مدرنیزاسیون و سکولاریسم بود ولی هیچگاه از عقیده خود پیرامون تاثیر تکثر گرایی بر دنیوی شدن منصرف نشد. به نظر وی تکثر گرایی لزوماً منجر به سکولاریزاسیون افراد نمی شود، اما کاری که تکثر گرایی می کند (و در این مورد خود را محق می داند) این است که همه امور مسلم در مذهب را مانند سایر قلمروهای حیات سست می کند: «می توان اعتقادات را حفظ کرد و با آن ها زندگی کرد ولو آنکه دیگر یقینی استوار به آن نداشت. به عبارت دیگر حالا می گوئیم که تکثر گرایی بر نحوه ایمان مذهبی اثر می گذارد، اما نه لزوماً بر مضمون آن» (برگر، ۲۰۰۱: ۱۹۴ به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۵: ۸۲). با این وصف می توان تساهل در انجام برخی مناسک دینی را به سادگی از سوی افراد قابل توجه دانست.

روند عرفی شدن در ایران^۱

در نظر برخی از اندیشمندان اسلامی امکان عرفی شدن ایران وجود ندارد چرا که ایران کشوری مسلمان است و اسلام ذاتاً با عرفی شدن منافات دارد. ایشان برخی ویژگی های دین اسلام را نظیر عقلانی بودن، جامعیت، هماهنگی با فطرت، عدم امکان تحریف در آن، علم گرایی و ... را عامل مقاومت در مقابل عرفی شدن می دانند (شاکرین: ۱۳۸۴) ولی با این حال در سال های اخیر بحث بر سر روند عرفی شدن ایران بالا گرفته است.

به طور کلی تمامی تحقیقاتی که در زمینه سنجش و بررسی وضعیت دینداری افراد در ایران صورت گرفته است نتایج یک دیگر را تایید می کنند و بیان می نمایند که دینداری ذهنی و فردی ایرانیان در سطح بسیار بالایی است به ویژه در ابعاد اعتقادی و باورها نظیر اعتقاد به خدا، نبوت، معاد و همچنین تجارب عاطفی دینی (قربانپور لزر جانی، ۱۳۸۴؛ ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۷۹؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۲؛ طالبان، ۱۳۷۶؛ سراج زاده، ۱۳۷۵؛ فرجی و حمیدی، ۱۳۸۲؛ آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۴؛ ارزش ها و گرایش ها، ۱۳۸۲؛ کاظمی و فرجی: ۱۳۸۸). در موج دوم پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان برخی گرایش های دینی افراد به این صورت گزارش شده است:

1 برای بیان کلی نظرات طرفداران عرفی شدن در ایران بیشتر به آراء کاظمی و فرجی در مقاله ای تحت عنوان «عرفی شدن و زندگی روزمره» استناد شده است.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی نسبی برخی ابعاد دینداری در ایران

دینداری به نیت است نه عمل	محاسبه اعمال در قیامت	احساس نزدیکی به خدا	کمک خواستن از خدا	توکل به خدا	میزان مذهبی بودن فرد	
۵۴/۱	۱/۷	۷/۱	۰/۹	۱/۲	۱۱/۸	کم
۱۰/۲	۲/۷	۲۸	۵/۴	۷/۱	۵۸/۹	تا حدودی
۲۵/۶	۹۵/۶	۶۴/۷	۹۳/۷	۹۱/۶	۲۹/۲	زیاد

منبع: موج دوم پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان

در بعد مناسکی و انجام اعمال مذهبی میانگین دینداری کاهش می یابد و همچنین در مناسک جمعی دینداری مثل شرکت در نماز جماعت و جمعه این میزان به پایین ترین حد خود می رسد. ولی شرکت در مناسک دینی جمعی که کمتر صبغه رسمی دارند مثل شرکت در مجالس روضه خوانی و هیات های مذهبی روند افزایشی دارد (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸؛ کاظمی و فرجی، ۱۳۸۶؛ ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۷۹؛ آزاد ارمکی، ۱۳۸۲؛ آزاد ارمکی و زارع، ۱۳۸۴؛ ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۸۲).

با تکیه بر آمارهای فوق به ویژه در زمینه مناسک دینی برخی معتقد به روند عرفی شدن ایران هستند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲). البته از نظر این عده روند عرفی شدن در ایران را باید در دو سطح سیستم و جهان حیاتی مورد بررسی قرار داد. ایشان طبق این تفکیک فایل به روند عرفی شدن در سطح سیستم هستند نه جهان حیاتی.

بر طبق نظر ایشان ایران کشوری است که همیشه دین در آن یکی از مهم ترین نهادهای جامعه بوده است و چه بسا با توجه به کارکردهای دین در جامعه ایرانی می توان از فرا نهاد دین سخن گفت.

با به قدرت رسیدن سلسله پهلوی و شکل گیری جریان نوسازی اقتصادی و اجتماعی در ایران این وضعیت تغییر کرد و نهاد دین برخی کارکردهای خود را به سایر نهادها واگذار کرد. این فرایند باعث تضعیف اثر گذاری دین در جامعه و به تبع آن قرار گرفتن فرانهادهای دین به عنوان نهادی در کنار سایر نهادها شد و به تعامل با آن ها پرداخت و جایگاه فرانهادهای خود را از دست داد. چنین روندی دین را تبدیل به خرده سیستمی کرد که ناچار است استقلال سایر خرده نظام ها را به رسمیت بشناسد

و در تعامل با آن ها در قالب سازمان های عقلانی مدرن روندی عرفی گرایانه را پیش رو بگیرد. چنین تحولاتی در ایران بیشتر در حوزه نظام اجتماعی یا سیستم رخ داد چرا که جهان حیاتی ایرانیان به شدت تحت تاثیر سنت هایی است که دینی بودن جامعه را تولید و باز تولید می کند.

در میان عناصر جهان حیاتی ایرانیان، قلمرو دینی جایگاهی خاص دارد چرا که نه تنها به سوی عقلانی شدن نرفت بلکه توانست تا اندازه زیادی خود را از استعمار سیستم حفظ کند. مساجد، حسینیه ها، منابر، هیات های مذهبی، روحانیت و ... در این حوزه جا می گرفتند و با بازتولید عناصر فرهنگی به تقویت و انسجام اجتماعی کمک می کردند.

از آنجا که تا قبل از انقلاب اسلامی سیستم از درون جهان حیاتی شکل نگرفته بود و حاصل عقلانیتی بود که از خارج و به ویژه جوامع غربی به جامعه ایرانی تحمیل شده بود همواره خود را مقابل جهان حیاتی می دید و تصمیمات و قوانینش با مقاومت جهان حیاتی روبه رو می شد. برای مثال علی رغم تلاش زیاد حکومت رضا شاه، سیستم نتوانست در زمینه کشف حجاب، بستن حوزه های علمیه، کنترل مساجد و ... موفقیتی حاصل نماید. این رویه در دوران حکومت محمدرضا شاه نیز ادامه یافت. هرچند اقدامات وی بی تاثیر نبود ولی نتوانست تاثیر خاصی بر جهان حیاتی بگذارد و نهایتاً زمینه سازی یکی از مهم ترین عوامل عدم مشروعیت آن سلسله و شکل گیری انقلاب اسلامی شد.

انقلاب اسلامی نیز که پیامد نوعی بازاندیشی و تأمل در جهان حیاتی ایرانیان بوده است با کارکردهایش فرایند عرفی شدن را به مساله ای غامض تبدیل کرده است چرا که برخی معتقدند با روند اسلامی شدن سیستم و تلاش سیستم برای نهادینه کردن حکومت دینی، ایران به کشوری بسیار دینی تبدیل شده است در صورتی که برخی دیگر این دیدگاه را به چالش خوانده و با استدلال های خود معتقدند نتیجه فعالیت انقلاب ایران چیزی جز تسریع روند عرفی شدن ایران نیست. به عنوان مثال برخی استدلالهای این گروه به این صورت است که جهان حیاتی بعد از انقلاب اسلامی همچنان تحت تسلط قدرت مانده است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲: ۲۵۵). به این صورت که با اندیشه برقراری حکومت اسلامی سیستم کنترل جهان حیاتی را به دست گرفت و حتی تسلط خود را بر جهان حیاتی از حوزه عمومی به حوزه خصوصی نیز گستراند. سیستم برای برقراری چنین تسلطی با هیچ مقاومتی روبرو نشد چرا که جهان حیاتی روند شکل گیری سیستم را از درون حس می کرد و آن را ناشی از

نقادی و تامل و بازاندیشی خود می دانست. بروز جنگ و تداوم روحیه انقلابی تا سال های بعد همچنان مروج و مشوق تسلط سیستم بر جهان حیاتی بود.

با اتمام جنگ تحمیلی برخی مقاومت های جهان حیاتی در مقابل سیستم ظاهر شد و بعضی اندیشمندان معتقدند اقدامات سیستم در تسلط همه جانبه بر جهان حیاتی در این دوران باعث جبهه گیری جهان حیاتی شد. برای مثال: خرده سیستم دین جهت کنترل سایر خرده سیستم ها چاره ای جز بروکراتیک و عقلایی شدن نداشت و باید مانند سایر سازمان ها عقلانی و دیوانسالار می شد. این امر منجر به دیوان سالار شدن حوزه علمیه شد. با این وصف حوزه های علمیه جزئی از سیستم شدند و دیگر قدرت نقادی خود را از دست دادند. همچنین مساجد نیز تا حد زیادی سلطه سیستم را پذیرفتند و در نتیجه برخی افراد با احساس تسلط قدرت بر مسجد از آن فاصله گرفتند و مساجد جایگاهی شدند تا عده ای بتوانند در آن به کنش ابزاری بپردازند. ضمن اینکه روحانیت نیز جزئی از سیستم شد و روحانیون با نقش هایی چون وزیر، نماینده، مدیر و سایر نقش های بروکراتیک روابطی ثانویه و رسمی با مردم پیدا کردند و بالاخره اینکه سیستم برای ورود اسلام به زندگی مردم سعی کرد آن ها را با نوع خاصی از دینداری هماهنگ با خود جامعه پذیر کند، در نتیجه به لحاظ سیستمی دیندار کسی تعریف شد که مشخصات عرضه شده از طریق ضوابط رسمی را دارا باشد. بدین سان نوعی تقلیل گرایی در دیندار خواندن افراد جامعه صورت گرفت (همان: ۲۶۱-۲۵۹).

در مقابل طرفداران نظریه ولایت فقیه با تکیه به منابع فقهی و همچنین استناد به سنت تاریخی پیشوایان دین، ورود روحانیت به عرصه قدرت و حکومت را لازم دانسته و آن را جزء لاینفک حکومت اسلامی و اسلامی کردن جامعه و نیز مانع مادیگرا شدن جامعه می دانند. برای مثال این گروه با استناد به مساله ولایت فقیه و یا مرکزیت فرماندهی مساجد در دوره پیامبر و برخی مستندات دیگر هیچگونه تمایز و تباینی میان دیانت و سیاست قایل نیستند و جهت برپا نمودن جامعه ای اسلامی آن ها را لازم و ملزوم یکدیگر تلقی نموده و نیز با استناد به آمارهای مختلف و همچنین برخی جلوه های حضور مردم در مسایل مذهبی و دینی نظرات مخالف را رد می کنند.

موارد فوق برخی استدلالاتی است که طرفداران یا مخالفان عرفی شدن در ایران ارایه می نمایند. پذیرش و یا رد این دلایل منوط به بررسی تجربی وضعیت دینداری در ایران می باشد که محقق با استناد

به یافته های برخی تحقیقات قبلی در این زمینه و نیز آزمون فرضیه های این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن برآمده است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله اسنادی می باشد و تلاش بر آن است تا با تحلیل ثانویه داده های آماری به آزمون فرضیات پرداخته شود. محور اصلی کار را داده های موج پنجم پیمایش ارزش های جهانی^۱ در ایران تشکیل می دهد که با نمونه ای ۲۶۶۷ نفری در سال ۲۰۰۷ گردآوری شده است. نمونه آماری این پیمایش از زنان و مردانی تشکیل شده است که بین سنین ۱۶ تا ۹۰ سال قرار داشته اند.

برای سنجش متغیر وابسته تحقیق-میزان دینداری- به عنوان یک سازه پنهان از بین گویه های دینی مختلفی که در پرسش نامه این پیمایش طرح شده است بیشتر به گویه هایی پرداخته شده است که سکولاریزاسیون را در سطح ذهنی و فردی بررسی نموده اند یعنی بر اساس اعتقاد و یا بی اعتقادی فرد به دین و بی توجهی به انجام اعمال دینی و به ابعاد نهادی آن (با توجه به محدودیت گویه ها) کمتر توجه شده است. در مجموع با توجه به محدودیت محقق در داشتن گویه های لازم با سطح سنجش مناسب، با الگوگیری از تقسیم بندی گلاک و استارک^۲، نخست مدل دینداری افراد تبیین و سپس فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفته اند.

گلاک و استارک (۱۹۶۵) معتقدند که علی رغم تفاوت هایی در بین ادیان مختلف می توان اصولی ثابت برای آنها در نظر گرفت که عبارتند از:

- بُعد اعتقادی و ایدئولوژیکی^۳؛ همچون اعتقاد به وجود خدا، بهشت و جهنم، نبوت، عدالت (امامت در بین شیعیان)، قرآن و...
- بُعد مناسکی^۴؛ مناسک و رفتارهای دینی را می توان در دو بُعد فردی و جمعی در نظر گرفت: مناسک فردی همچون نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن و...، مناسک جمعی همچون نماز

1 WVS

2 Glock & Stark

3 Belief Dimension

4 Ritualistic Dimension

- جماعت و جمعه، شرکت در مراسم دینی و
- بُعد عاطفی و تجربی^۱؛ احساس حضور خدا در کارهای روزانه، ترس از گناه، توبه، خواب های دینی، احساس آرامش و ...
 - بُعد آگاهی و دانشی^۲؛ منظور اطلاعات دینی است همچون دانستن تعداد سوره های قرآن، تاریخ زندگی پیامبر و ائمه، رویدادهای مهم دینی احکام و ... با توجه به عدم وجود گویه در این زمینه، این بعد مورد بررسی قرار نگرفته است.
 - بُعد پیامدی^۳؛ نگرش افراد به پیامد مواردی همچون بی حجابی، مصرف مشروبات الکلی، غیبت کردن، همجنس گرایی، سقط جنین و ... در جامعه.
- در بعد نهادی نیز تنها به نگرش افراد پیرامون کارکردهای نهاد روحانیت و مقامات دینی پرداخته شده است. و با توجه به اهمیت و جایگاه مقامات مذهبی نگرش به توانایی های ایشان جزئی از ابعاد دینداری در نظر گرفته شده است.

متغیرهای مستقل تحقیق

در این پژوهش برای تبیین تجربی نظریه های عرفی شدن از سه متغیر مستقل استفاده شده است. الف) تحصیلات عالی: این متغیر بر اساس داشتن یا نداشتن تحصیلات عالی پاسخگویان اندازه گیری شده است. توزیع فراوانی این متغیر به صورت زیر می باشد:

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی جمعیت نمونه بر حسب سن، جنس و تحصیلات عالی

جمع کل	سن			جنسیت	تحصیلات عالی
	۵۰ سال و بالاتر	۳۰-۴۹ ساله	۱۵-۲۹ سال		
۱۰۵۲	۱۶۳	۳۳۸	۵۲۱	مرد	ندارد
۱۰۹۱	۹۷	۴۴۹	۵۴۵	زن	
۲۶۵	۲۲	۱۱۶	۱۲۷	مرد	دارد
۲۱۲	۱۵	۸۷	۱۱۰	زن	

1 Experimental Dimension

2 Knowledge Dimension

3 Consequential Dimension

ب) انسجام با نظام سیاسی: با توجه به اینکه بر اساس قانون اساسی ایران دین رسمی کشور اسلام و مذهب رسمی تشیع می باشد، نظام سیاسی حاکم بر ایران نیز بر اساس این اصل شکل گرفته است. برای سنجش این متغیر مذهب پاسخگویان مورد سوال قرار گرفته است. بدین صورت داشتن مذهب تشیع به معنای سنخیت و انسجام با نظام سیاسی می باشد. تنوع مذهبی نمونه مورد مطالعه به صورت زیر می باشد:

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی تنوع مذهبی پاسخگویان

مذهب	شیعه	سنی	زرتشتی	سایر
فراوانی	۲۴۲۲	۲۰۲	۷	۱۶
درصد	۹۱/۵	۷/۶	۰/۳	۰/۱۶

ج) دموکراسی: برای سنجش این متغیر در پرسش نامه، میزان اهمیت دموکراسی برای افراد در یک طیف ده درجه ای مورد سوال قرار گرفته است.

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی میزان اهمیت دموکراسی در بین پاسخگویان

میزان اهمیت دموکراسی	فراوانی طلق	درصد	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
اصلا اهمیت ندارد	۶۵	۲/۴	۲/۵	۲/۵
۲	۲۳	۰/۹	۰/۹	۳/۳
۳	۴۹	۱/۸	۱/۹	۵/۲
۴	۶۸	۲/۵	۲/۶	۷/۸
۵	۲۷۹	۱۰/۵	۱۰/۵	۱۸/۳
۶	۱۹۳	۷/۲	۷/۳	۲۵/۶
۷	۲۶۰	۹/۷	۹/۸	۳۵/۴
۸	۴۱۴	۱۵/۵	۱۵/۷	۵۱/۱
۹	۳۷۰	۱۳/۹	۱۴/۰	۶۵/۱
کاملا مهم است	۹۲۴	۳۴/۶	۳۴/۹	۱۰۰/۰
کل	۲۶۴۵	۹۹/۲	۱۰۰/۰	
داده های مفقود	۲۲	۰/۸		
کل	۲۶۶۷	۱۰۰/۰		

در این تحقیق فرضیه‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری و بویژه تکنیک میانگین‌های ساختمند و با استفاده از نرم افزار Amos18 آزمون شده‌اند. تفاوت این روش با روش‌های قبلی مقایسه میانگین‌ها نظیر آزمون F و T در این است که در آزمون‌های مذکور متغیرهای تحقیق به عنوان متغیر آشکار در نظر گرفته می‌شوند حال آنکه عمده متغیرهایی که در علوم اجتماعی و خصوصا در حوزه دین اندازه‌گیری می‌شوند از نوع متغیرهای پنهان هستند و وجود خطا در اندازه‌گیری آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. با استفاده از مدل معادلات ساختاری و میانگین‌های ساختمند میزان خطا در برآوردها نیز محاسبه می‌شود و بر این اساس می‌توانیم نسبت به یافته‌های تحقیق اطمینان بیشتری داشته باشیم.

فرضیه‌ها

برای جلوگیری از تکرار مطالب با استناد و بهره‌گیری از یافته‌های پیمایش‌هایی که در زمینه دینداری در ایران صورت گرفته است فرضیه‌های این تحقیق را محدود نموده و از بررسی روابط دینداری با بسیاری از متغیرهای زمینه‌ای مثل جنس، سن، وضعیت تاهل، محل سکونت و... چشم‌پوشی شده و تنها اثرات سه عامل دموکراسی، تحصیلات عالی و مذهب بر روند سکولار شدن نمونه مورد مطالعه بررسی شده است به این صورت که:

با توجه به عوامل عرفی شدن و نظرات برگرد در خصوص تاثیر علم‌گرایی و بویژه خرده فرهنگ سکولار در علوم انسانی فرض بر این است که تحصیلات عالی می‌تواند بر روند عرفی شدن جامعه اثر گذار باشد و بر این اساس اولین فرضیه این است که به لحاظ دینداری تفاوت معناداری بین کسانی که تحصیلات عالی دارند و کسانی که این سطح تحصیلات را ندارند وجود دارد (فرضیه اول). پیدایش تکثرگرایی، فردگرایی، لیبرالیسم و محوریت انسان در حکومت و اداره جامعه به جای خدا منجر به شیوه حکومت دموکراسی شد. بنابراین باید تفاوت معناداری در زمینه دین داری بین کسانی که قائل به اهمیت دموکراسی هستند و کسانی که به آن چندان اهمیت نمی‌دهند وجود داشته باشد (فرضیه دوم). و در نهایت اینکه براساس نظرات گروه‌هایی که معتقدند اسلامی شدن سیستم

منجر به عرفی شدن جامعه ایرانی شده است انتظار می رود گروه هایی که به لحاظ دینی و مذهبی سنخیت کاملی با نظام سیاسی حاکم ندارند دین دارتر باشند (فرضیه سوم).

یافته ها

توصیف نمونه آماری مورد مطالعه

برخی ویژگی های نمونه مورد مطالعه در جداول زیر نشان داده شده است. هرچند سن و میزان و نوع تحصیلات پاسخگویان به تفصیل سوال شده است، به منظور ارایه تصویری کلی اطلاعات را به صورت زیر خلاصه شده است:

بر اساس موج پنجم پیمایش ارزش های جهانی در زمینه اعتقادی مردم ایران بسیار معتقد و دینگرا هستند. به این صورت که ۹۴/۶٪ پاسخگویان معتقدند دین در زندگی آن ها بسیار مهم و مهم است. درحالیکه ۳/۹٪ این اهمیت را نه چندان مهم و تنها ۱/۵٪ مهم نشمرده اند. در پاسخ به سوالات اعتقادی نتایج زیر حاصل شده است:

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی بعد اعتقادی افراد

اعتقاد به	خدا	زندگی پس از مرگ	روح	جهنم	بهشت
دارد	۹۹/۷	۹۶/۶	۹۸/۱	۹۵/۳	۹۵/۷
ندارد	۰/۳	۳/۴	۱/۹	۴/۷	۳/۴

همچنین در پاسخ به سوال میزان اهمیت خدا در زندگی که در یک طیف ده درجه ای سنجیده شده است ۷۹/۷٪ گزینه بسیار مهم، ۱۲/۱٪ مهم و تنها ۱/۴٪ گزینه اصلا اهمیت ندارد را مشخص نموده اند.

در بعد مناسک و پایبندی به اعمال دینی ایرانیان بسیار پایبند به انجام مناسک و هنجارهای دینی می باشند. چنانکه یافته های تحقیقات مختلف در این زمینه نشان می دهد از سال ۱۳۵۳ تا کنون بین ۸۱/۵ تا ۸۳/۵٪ از ایرانیان نماز می خوانند (اسدی، ۱۳۵۳؛ ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۷۹؛ ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۸۲؛ کاظمی و فرجی، ۱۳۸۵). میزان نماز خواندن و حضور در مساجد، در جمعیت نمونه این پیمایش به صورت زیر می باشد:

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی نماز خواندن در جمعیت نمونه

نماز خواندن	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
هر روز	۲۲۰۷	۸۲/۸	۸۳/۳	۸۳/۳
یک بار در هفته	۹۱	۳/۴	۳/۴	۸۶/۷
حد اقل یک بار در ماه	۸۱	۳/۰	۳/۱	۸۹/۷
هرگز	۲۷۲	۱۰/۲	۱۰/۳	۱۰۰/۰
کل	۲۶۵۱	۹۹/۴	۱۰۰/۰	
داده های مفقود	۱۶	۰/۶		
جمع کل	۲۶۶۷	۱۰۰/۰		

در مطالعه اسدی (۱۳۵۳) ۷۱٪ مردم گفته اند که در مساجد حضور پیدا می کنند. این آمار در موج پنجم مطالعه ارزش های جهانی به این صورت می باشد.

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی حضور در مساجد در جمعیت نمونه

حضور در مسجد	بیش از یک بار در هفته	یک بار در هفته	یک بار در ماه	تنها در اعیاد و مراسم ها	یک بار در سال	هیچ گاه
فراوانی	۵۴۱	۳۵۹	۲۵۰	۶۰۸	۱۷۳	۶۰۴
درصد	۲۱/۳	۱۴/۲	۹/۹	۲۴/۰	۶/۸	۲۳/۸

با در نظر گرفتن اینکه برخی محققین معتقدند به دلیل تجربه منحصر به فرد شخصی در بعد عاطفی دینداری هر فردی می تواند حد بالایی از میزان دینداری را به خود اختصاص دهد، توزیع فراوانی جمعیت نمونه به صورت زیر می باشد:

جدول شماره ۸- توزیع فراوانی بعد عاطفی دینداری

گویه	فراوانی	درصد
مذهبی بودن فرد	مذهبی	۲۱۵۶
	غیر مذهبی	۴۱۸
	ملحد	۳
احساس آرامش	ندارد	۱۴۰
	دارد	۲۴۱۵
دعا کردن	دعا نمی کند	۱۳۸
	دعا می کند	۲۵۲۴

هر چند در تقسیم بندی گلاک و استارک نگرش نسبت به کارکردهای مقامات دینی وجود ندارد ولی در این تحقیق با در نظر گرفتن شرایط مذهبی - سیاسی خاص ایران و نیز لزوم وجود سازمان و نهاد روحانیت در بالا بردن وضعیت دینداری اعضای جامعه، این بعد افزوده شده است و بر همین اساس پاسخگویان در پاسخ به سوالاتی در زمینه توانایی پاسخگویی مقامات مذهبی به برخی مسایل این گونه پاسخ داده اند:

جدول شماره ۹- توزیع فراوانی بعد نگرش به کارکرد مقامات مذهبی

توان پاسخ گویی به مسایل		فراوانی	درصد
اخلاقی	ندارد	۹۳۸	۳۵/۲
	دارد	۱۶۹۲	۶۳/۴
زندگی خانوادگی	ندارد	۹۱۷	۳۴/۴
	دارد	۱۷۰۹	۶۴/۱
نیازهای روحی	ندارد	۹۰۶	۳۴/۰
	دارد	۱۷۱۹	۶۴/۵
مسایل اجتماعی	ندارد	۱۳۱۸	۴۹/۴
	دارد	۱۳۰۲	۴۸/۸

در بعد پیامدی نیز دیدگاه پاسخگویان راجع به مسایل مختلفی مورد سوال قرار گرفته است که در این میان تنها برخی از آن ها در مدل وارد شده اند. توزیع فراوانی پاسخگویان در مورد توجیه پذیری و یا عدم توجیه پذیری برخی مسایل به صورت زیر می باشد:

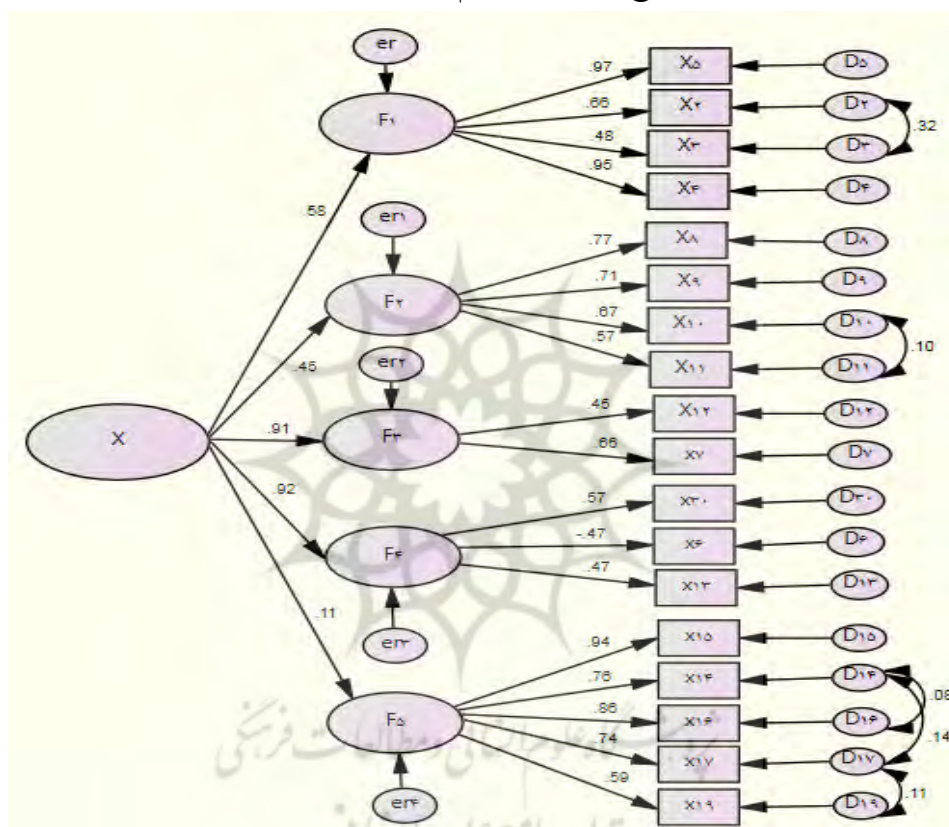
جدول شماره ۱۰- توزیع فراوانی بعد پیامدی دینداری

توجیه پذیری	میزان	فراوانی	درصد	توجیه پذیری	میزان	فراوانی	درصد
گرفتن رشوه	اصلا	۲۴۴۷	۹۱/۸	روسی گری	اصلا	۲۴۸۱	۹۳/۰
	تا حدی	۱۱۹	۴/۵		تا حدی	۸۶	۳/۲
	کاملا	۸۷	۳/۳		کاملا	۷۱	۲/۷
همجنس گرایی	اصلا	۲۴۹۱	۹۳/۴	سقط جنین	اصلا	۲۱۹۸	۸۲/۴
	تا حدی	۷۲	۲/۷		تا حدی	۳۳۱	۱۲/۴
	کاملا	۷۰	۲/۶		کاملا	۱۲۳	۴/۶
خودکشی	اصلا	۲۴۳۰	۹۱/۱				
	تا حدی	۱۴۸	۵/۵				
	کاملا	۷۵	۲/۸				

آمار استنباطی متغیرهای تحقیق

برای بررسی میزان دینداری افراد به عنوان متغیر وابسته، نخست با استفاده از نرم افزار Amos و با استفاده از چند متغیر آشکار، مدل عاملی مرتبه دوم دینداری افراد به شکل زیر تدوین شده است.

شکل ۱- مدل پنج عاملی مرتبه دوم برای سنجش میزان دینداری



جدول شماره ۱۱- شاخص های برازش مدل دینداری

CMIN	DF	P	CMIN/DF	TLI	CFI	PCFI	RMSEA	PCLOSE
۴۳۳/۸۷۹	۱۲۵	۰/۰۰۰	۳/۴۶۵	۰/۹۸۱	۰/۹۸۵	۰/۸۰۵	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰

شاخص های برازش مدل نشان می دهند که مدل تدوین شده تا حد زیادی قابل قبول است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که دلیل معنادار شدن کای اسکوتر به عنوان شاخص بدی برازش مدل، بالا بودن حجم نمونه است. البته در چنین شرایطی مقدار کای اسکوتر نسبی شاخص معتبر تری نسبت به کای اسکوتر مطلق است.

متغیرهای تعریف شده در این مدل عبارتند از:

جدول شماره ۱۲-متغیرهای به کار رفته در مدل

متغیر خطا	توضیح متغیر آشکار	متغیر آشکار	توضیح متغیر پنهان درونی	متغیر پنهان درونی	
D2	اعتقاد فرد به زندگی پس از مرگ	X2	بعد اعتقادی دینداری فرد	باورها	F1
D3	اعتقاد فرد به روح	X3			
D4	اعتقاد فرد به وجود جهنم	X4			
D5	اعتقاد فرد به وجود بهشت	X5			
D8	توان پاسخگویی به مسایل اخلاقی	X8	نگرش به کارکرد نهاد روحانیت	نگرش به روحانیت	F2
D9	توان پاسخگویی به مسایل خانوادگی	X9			
D10	توان پاسخگویی به نیازهای معنوی	X10			
D11	توان پاسخگویی به مسایل اجتماعی	X11	بعد انجام مناسک دینی	مناسک دینی	F3
D12	نماز خواندن	X12			
D7	حضور در مساجد	X7	بعد عواطف دینی	عواطف دینی	F4
D6	احساس آرامش فرد	X6			
D30	احساس مذهبی بودن	X30			
D13	عبادت کردن خداوند	X13	(بعد پیامدی / نگرشی) میزان توجه پذیری برخی منکرات	پیامدها	F5
D14	توجه پذیری رشوه گرفتن	X14			
D15	توجه پذیری روسپیگری	X15			
D16	توجه پذیری همجنس گرایی	X16			
D17	توجه پذیری خودکشی	X17			
D20	توجه پذیری سقط جنین	X19			
وضعیت دینداری فرد			متغیر پنهان بیرونی		X

به منظور آزمون فرضیات از روش مقایسه میانگین های ساختمند استفاده شده است. در این روش نخستین شرط، معادل نمودن مدل های اندازه گیری^۱ است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۵۴). به این معنا که وزن های رگرسیونی متغیرهای آشکار بر پنهان در هر دو گروه یکسان باشد. پس از اطمینان از معادل بودن مدل های اندازه گیری به منظور کسب نتایج دقیق تر پارامترهایی که در هر دو گروه تفاوت معنا داری نداشتند قید برابری زده شدند. سپس فرضیه های تحقیق آزمون شدند و نتایج زیر حاصل شد:

فرضیه ۱: به لحاظ دینداری تفاوت معنا داری بین کسانی که تحصیلات عالی دارند و کسانی که این سطح تحصیلات را ندارند وجود دارد.^۲

با مرجع قرار دادن گروهی که تحصیلات عالی ندارند خروجی برنامه Amos نشان می دهد که با اطمینان ۰/۹۹ این فرضیه تأیید می شود و کسانی که تحصیلات عالی ندارند سطح بالاتری از دینداری را تجربه می کنند، البته با تفاوتی بسیار اندک به این صورت که با مرجع قرار گرفتن گروهی که تحصیلات عالی ندارند (با میانگین صفر) دارندگان تحصیلات عالی تنها ۰/۰۴۱ سطح دینداری پایین تری دارند. در مورد مولفه های دینداری خروجی برنامه نتایج زیر را نشان می دهد:

جدول شماره ۱۳- برآورد تفاوت میانگین ابعاد مختلف دینداری بر اساس تحصیلات عالی

نماد	ابعاد	مقدار برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
X	دینداری	-۰/۰۴۱	۰/۰۱۰	-۳/۹۷۴	۰/۰۰۰
F1	باورها	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۳	-۰۳/۵۵۷	۰/۰۰۰
F2	نگرش به روحانیت	-۰/۱۰۵	۰/۰۲۱	-۴/۹۰۳	۰/۰۰۰
F3	مناسک دینی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	-۱/۷۲۸	۰/۰۸۴
F4	عواطف دینی	۰/۰۵۱	۰/۰۷۳	۰/۷۰۲	۰/۴۸۳
F5	پیامدها	-۰/۰۴۴	۰/۰۱۵	-۲/۹۱۹	۰/۰۰۴

1 Measurement Invariance

دلیل اینکه بر خلاف نظرات برگر تحصیل در رشته های علوم انسانی در سطوح عالی آزمون نشده اند این است که در این پیمایش تنها سطح تحصیلات مورد سوال قرار گرفته و رشته تحصیلی پاسخگویان مشخص نمی باشد.

نتیجه این آزمون حاکی از این است که به طور کلی در بعد اعتقادی و باورها، نگرش به روحانیت و بعد پیامدها تفاوت معناداری بین کسانی که تحصیلات عالی دارند و دیگرانی که چنین سطحی از این تحصیلات را ندارند، وجود دارد. با احتیاط بیشتری می توان این قضاوت را نیز در زمینه بعد مناسکی و پایبندی به رفتارهای دینی تعمیم داد و پذیرفت که بین این دو گروه با ۰/۹۰ اطمینان تفاوت وجود دارد. ولی در زمینه عواطف دینی این تفاوت معنادار نیست. دلیل این امر را می توان بر طبق ادبیات نظری تحقیق به احساسی و عاطفی بودن و تجارب شخصی افراد در این بعد نسبت داد.

بر اساس میزان برآورد^۱ متغیرها می توانیم قضاوت کنیم که در مجموع کسانی که تحصیلات عالی دارند نسبت به دیگران از سطح دینداری پایین تری برخوردارند. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که هر چند اختلاف میانگین ها به لحاظ آماری تایید شده است (که حجم بالای نمونه نیز در آن بی تاثیر نیست) ولی تفاوت زیادی بین میانگین گروه های دارای تحصیلات عالی و سایرین نمی توان یافت چنانکه تفاوت میانگین گروه های مختلف تحصیلی در بعد اعتقادی دینداری (با دامنه تغییرات (. تا ۴) به این صورت می باشد:

جدول شماره ۱۴- میانگین گروه های مختلف تحصیلی در بعد اعتقادی دینداری

سطح تحصیلات	میانگین	تعداد	انحراف معیار
پایین	3/9047	997	0/47629
متوسط	3/8829	1016	0/56591
بالا	3/7477	642	0/84263
کل	3/8575	2655	0/62213

فرضیه ۲: به نظر می رسد تفاوت معنا داری در زمینه دین داری بین کسانی که قایل به اهمیت دموکراسی هستند و کسانی که به آن چندان اهمیت نمی دهند وجود داشته باشد.

¹Estimate

جدول شماره ۱۵- برآورد تفاوت میانگین ابعاد مختلف دینداری بر اساس میزان اهمیت دادن به دموکراسی

نماد	ابعاد	مقدار برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
X	دینداری	-0/006	0/007	-0/863	0/388
F1	باورها	-0/003	0/01	-0/351	0/726
F2	نگرش به روحانیت	-0/037	0/020	-1/814	0/070
F3	مناسک دینی	0/000	0/004	0/046	0/963
F4	عواطف دینی	0/206	0/086	2/397	0/017
F5	پیامدها	-0/016	0/014	-1/196	0/232

با مرجع قرار گرفتن گروهی که اهمیت کمی برای دموکراسی قایلند فرضیه رد می شود و نتیجه می گیریم میزان دینداری در بین گروه‌ها بر حسب میزان اهمیت دموکراسی تفاوت معناداری ندارد. نتایج فوق نشان می دهد که در ابعاد باورها، شرکت در مناسک دینی، نگرش به روحانیت و پیامدهای دینداری تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد و موضع گیری هر دو گروه به لحاظ آماری یکسان است. ولی بعد تجارب عاطفی تفاوت معناداری بین دو گروه با اطمینان ۰/۹۵ ملاحظه شده است. هرچند میزان این تفاوت میانگین به میزان ۰/۲۰۶ از صفر می باشد یعنی تفاوت دو گروه چندان قابل توجه نیست.

فرضیه ۳: به نظر می رسد گروه‌هایی که به لحاظ دینی و مذهبی سنخیت کاملی با نظام سیاسی حاکم ندارند دین دارتر باشند.

برای آزمون این فرضیه به علت کم تعداد بودن سایر گروه‌ها تنها گروه مذهبی اهل سنت مورد مقایسه قرار گرفت. با مرجع قرار گرفتن این گروه نتایج زیر حاصل شد:

جدول شماره ۱۶- برآورد تفاوت میانگین ابعاد مختلف دینداری بر مبنای میزان سنخیت مذهب با

نظام سیاسی حاکم (تشیع و تسنن)

نماد	ابعاد	مقدار برآورد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
X	دینداری	0/014	0/010	1/340	0/180
F1	باورها	0/034	0/018	1/904	0/057
F2	نگرش به روحانیت	0/125	0/032	3/901	0/000
F3	مناسک دینی	0/000	0/006	0/048	0/962
F4	عواطف دینی	-0/301	0/074	-4/062	0/000
F5	پیامدها	0/028	0/025	1/137	0/256

بر اساس خروجی های برنامه فرضیه مورد نظر رد می شود و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار در زمینه دینداری بین دو گروه شیعه و اهل سنت پذیرفته می شود. بدین نحو نظام سیاسی ایران باعث عرفی شدن این کشور نشده است. این نتیجه در زمینه ابعاد باورها، انجام مناسک دینی و نیز پیامدهای دینداری نیز مشاهده می شود. ولی در بعد نگرش به روحانیت و توان ایشان در زمینه پاسخگویی به برخی مسایل مطرح شده با اطمینان ۰/۹۹ شیعیان با برآورد 0/125 اختلاف با صفر (میانگین گروه مرجع) دیدگاه مثبت تری نسبت به روحانیت دارند. در بعد عواطف دینی نیز تفاوت معناداری بین پیروان دو مذهب دیده می شود و اهل سنت چنین بیان کرده اند که احساسات و عواطف دینی بیشتری را نسبت با شیعیان تجربه نموده اند.

نتیجه گیری

یافته های این تحقیق نیز به مانند سایر تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان می دهد که در ایران اقبال و توجه بسیار زیادی به دین وجود دارد. این دین باوری در زمینه اعتقادات و باورها به اوج خود می رسد (اسدی، ۱۳۵۳؛ ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۷۹؛ ارزش ها و نگرشها، ۱۳۸۲؛ کاظمی و فرجی، ۱۳۸۵؛ سراج زاده، ۱۳۷۵؛ ۲۰۰۷، WVS) در بعد تجارب عاطفی نیز ایرانیان با هر دیدگاه و یا مسلکی سطح بالایی از عواطف را تجربه کرده اند. چنانکه کاظمی و فرجی (۱۳۸۵) نیز با بررسی سه دهه وضعیت دینداری ایرانیان به نتایج مشابهی رسیده اند.

نتایج این تحقیق نظر برگر را تنها در زمینه اثر تحصیلات عالی بر سکولار کردن افراد جامعه تایید می کند. به این صورت که سطح دینداری کسانی که تحصیلات عالی دارند تا حدی پایین تر از سایرین است. البته چنانکه توضیح داده شد آمارها موبد تفاوت ناچیز بین این گروه ها می باشد (۰/۰۴۱- نسبت به صفر). این تفاوت در برخی ابعاد دیگر نظیر بعد اعتقادی (۰/۰۴۶- نسبت به صفر)، نگرش به روحانیت (۰/۱۰۵- نسبت به صفر) و بعد پیامدی (۰/۰۴۴- نسبت به صفر) نیز قابل رویت است. دلیل این امر هم این است که دانشگاه های ایران دانشگاه هایی اسلامی هستند و افکار و اندیشه ها و نمادهای اسلامی به وفور در آن یافت می شود. ضمن اینکه باید به این نتایج با احتیاط نگاه کرد و از تعمیم ناروا پرهیز کرد چرا که نتیجه فوق ناشی از سطح کلی تحصیلات عالی

است و در آن رشته های مختلف تحصیلی حداقل در زمینه های علوم طبیعی و علوم انسانی تفکیک نشده اند.

یافته های این تحقیق نظر برگر پیرامون اثر تکثر گرایی بر سکولار شدن را تایید نمی کند چرا که تفاوتی بین سطح دینداری کسانی که قایل به اهمیت دموکراسی هستند و کسانی که چنین دیدگاهی ندارند، وجود ندارد. دلیل این امر را باید در چند نکته دید: اولاً اینکه دموکراسی نه تنها با دین منافاتی ندارد بلکه همان طور که در صفحات پیش مطرح شد این دو می توانند کاملاً با یک دیگر هماهنگ باشند. دوم اینکه در ایران به جای دموکراسی مردم سالاری دینی وجود دارد و از آنجا که در پرسش نامه به جای کلمه دموکراسی از واژه مردم سالاری استفاده شده است و با توجه به بار مثبت این واژه نسبت به واژه دموکراسی احتمالاً پاسخگویان موضع هماهنگ تر و مثبت تری داشته اند.

یافته های این تحقیق مهر تاییدی بر نتایج تحقیقات تجربی دیگر پیرامون عدم عرفی شدن جامعه ایران است. نه تنها ایرانیان در بعد اعتقادی بسیار دیندارند بلکه می بینیم که بر اساس نتایج آزمون، سیستمی شدن دین باعث عرفی شدن جامعه ایرانی نشده است. به این صورت که هیچ تفاوت معناداری بین سطح دینداری شیعیان (منسجم با نظام حکومتی) و اهل سنت دیده نشد. پس می توان نتیجه گرفت که اقدامات سیستم در جهت ساختن جامعه ای پایبند به دین موفق بوده است و از مصادیق عینی آن هم این آمارهایی است که پیرامون وضعیت دینداری ارایه می شود و هم اینکه در زمان ها و مکان هایی که حضور مومنان طلب می شود شاهد حضور بی شایبه ایشان هستیم. همچنین نگرش مثبت به کارایی نهاد روحانیت در نزد شیعیان، مفروضات موافقان سکولار شدن جامعه ایران را به چالش می کشد.

در سایر ابعاد دینداری نیز چنانکه از داده های تحقیقات مختلف نتیجه می شود درصد بسیار بالایی از مردم پایبند به مناسک دینی هستند و نماز می خوانند. چنانکه در این تحقیق نشان داده شد بر اسا آمارهای موجود در سه دهه گذشته میزان نماز خواندن ایرانیان کاهش نداشته و ثابت مانده است ولی تعداد افرادی که روزه می گیرند زیاده تر نیز شده است. ایرانیان در مقابل منکرات مقاومت از خود نشان داده و بر خلاف بسیاری از کشورها تمایل و یا تساهلی نسبت به آن ها ندارند این امر به ویژه

وقتی نتایج حاصل از ایران با سایر کشورها اروپایی و آمریکایی مقایسه می شود به خوبی خود را نشان می دهد.

در مجموع می توان چنین نتیجه گیری کرد که عمومیت و اثر گذاری دین در ایران تا حدی بالاست که علیرغم اثرات اندک تحصیلات عالی بر ابعاد مختلف دینداری نمی توان ادعایی را پیرامون سکولار شدن جامعه ایرانی پذیرفت.

فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۲): «تحلیل ثانویه داده های طرح ملی تغییرات ارزش های فرهنگی در ایران» تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، طرح پژوهشی منتشر نشده.
- و نایی، هوشنگ (۱۳۸۵): «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی» مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳.
- و زارع، مریم (۱۳۸۴): «بررسی تغییر نگرش ها و رفتارهای دینی جوانان» تهران، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵): «عوامل پیدایی و پایایی سکولاریسم در جهان مسیحی» دوفصل نامه دانش سیاسی، شماره چهار.
- اسدی، علی (۱۳۵۳): گرایش های فرهنگی و نگرش های اجتماعی در ایران، گزارش از یک نظر خواهی ملی در سال ۱۳۵۳، تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- برگر، پیتر ال (۱۳۸۰): افول سکولاریزم، ترجمه افشار امیری، تهران، نشر پنگان.
- برینر، برت، اف (۱۳۷۵): «سکولاریسم و دین» ترجمه افروز اسلامی، نامه فرهنگ، سال ششم، شماره دو.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰): جامعه شناسی دین، تهران، نشر سخن.
- دیوی، کریس (۱۳۸۰): اروپا استثنایی که قاعده ای را اثبات می کند، دز: پیتر. ال. برگر، افول سکولاریسم، ترجمه افشار امیری، تهران، پنگان.
- ربانی، علی (۱۳۸۸): نقد و بررسی رابطه دین و جامعه در جهان معاصر از نظر جامعه شناسان، جزوه کلاسی دوره دکتری جامعه شناسی.
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۷۵): نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت های آن برای نظریه

سکولار شدن، نمایه پژوهش، شماره ۱۰-۹.

شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۴): سکولاریسم، تهران، کانون اندیشه جوان.

شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۵): «مسیرهای محتمل عرفی شدن در ایران» مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳.

----- (۱۳۸۱): عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

علیزاده، رضا (۱۳۸۳): بررسی عوامل موثر بر عرفی شدن در میان دانشجویان، پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

قاسمی، وحید (۱۳۸۸): مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، تهران، نشر جامعه شناسان.

قربانپور لزرجانی، علی (۱۳۸۴): نظرسنجی از مردم درباره نماز جمعه، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه ای اداره کل پژوهش های اجتماعی و فرهنگی صدا و سیما، شماره ۱۶۲.

کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۶): بررسی سنجه های مرتبط با دین در ایران، تهران، دفتر برنامه ریزی و پژوهشهای کاربردی.

----- (۱۳۸۸): بررسی وضعیت دینداری در ایران (با تاکید بر داده های پیمایش های سه دهه گذشته)، تهران، فصل نامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره شش.

----- (۱۳۸۲) عرفی شدن و زندگی روزمره، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱.

محسنی و کوثری (۱۳۷۸): وضعیت تحقیقات فرهنگی - اجتماعی در ایران، تهران، نشر رسانش.

ندیمی، حمیرا (۱۳۷۵): جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰): ارزش ها و نگرش های ایرانیان (موج اول)، تهران، دفتر طرح و پیمایش ارزش ها و نگرش ها.

----- (۱۳۸۲): ارزش ها و نگرش های ایرانیان (موج دوم)، تهران، دفتر طرح و پیمایش ارزش ها و نگرش ها.

ویلیم، ژان پل (۱۳۷۷): جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷): جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، موسسه انتشاراتی تبیان.

Berger, Peter. L. (1967): *The Sacred Canopy: The Elements of a Sociological Theory of Religion*. Garden City: Doubleday.

Berger, Peter. L. (ed.) (1999): *The De-secularization of the World: resurgent Religion and World of Politics*, Washington D.C.: Ethics and Public Polity Center.

Chaves, mark (1994): *Secularization as Declining Religious Authority*, Social forces, Bolome 72: 3 March 1994, pp 749-774.

Glock, C & Stark, R. (1965): *Religion and society in tension*, Chicago: Rand McNally.

GREG BARTON (2010): *Indonesia: Legitimacy, Secular Democracy, and Islam*. Monash University.

Hadden, jeffrey, K. (1987): "Toward Desacralizing Secularization Theory", Social Forces, Volume 65:3, March 1987.

Tamimi, Azzam (2001): *Rachid Ghannouchi: A Democrat within Islamism*. New York: Oxford University Press.

World value survey data (2005-2007): available at :

<http://www.worldvaluessurvey.org>